

عبدالرحمن فتح‌الهی؛ در حالی که سیاست خارجی ایران مسیر تنش‌زدایی را با کشورهای عربی منطقه، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و حتی غرب در پیش گرفته است، روابط باکو- تهران همچنان در ریل تنش‌زایی قرار دارد. به موازات خبر آزادی اتباع اروپایی محبوس در ایران، دستگیری یک تبعه جمهوری آذربایجان به سرفصل منازعه جدید دیپلماتیک تبدیل شده است.

در همین راستا وزارت امور خارجه جمهوری آذربایجان شنبه هفته جاری در بیانیه‌ای از شهروندانش خواست از سفر به ایران خودداری کنند. دستگاه دیپلماسی جمهوری آذربایجان در بیانیه مذکور عنوان کرد که شهروندان این کشور تنها در صورت ضرورت به ایران سفر کنند و در سفر خود احتیاط بیشتری به خرج دهند. وزارت امور خارجه آذربایجان گفت شهروندان آن که در حال حاضر در ایران به سر می‌برند، باید تدابیر امنیتی را رعایت کنند. هرچند در این بیانیه سعی شد موضوع عدم سفر اتباع آذربایجانی به ایران با حمله سال گذشته به سفارت باکو در تهران ارتباط داده شود، اما به نظر می‌رسد این درخواست وزارت امور خارجه جمهوری آذربایجان با موضوع دستگیری فردی به نام فرید صفرلی، تبعه آذربایجانی به راهنامه‌های داخلی کفته‌اند، این فرد چند ماه پیش در پوشش سفر دانشجوی مقیم آلمان به ایران اعزام شده بود.

در مقابل ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه هم در واکنش به بیانیه جمهوری آذربایجان دست به توییت شد و روز دوشنبه در تویییتی نوشت: «وزارت خارجه آذربایجان نسبت به سفر شهروندان خود به ایران هشدار داده است؛ این همان سیاستی است که رئیس‌جمهور رژیم جعلی، کودک‌کش و اشغالگر صهیونیستی اخیرا در سفر به باکو در پیش گرفت. آن که باید مردم آذربایجان را از آن ترساند، رژیم صهیونیستی است، نه ایران تمدنی و اسلامی. سیاست ما همچنان لغو‌روادید و آغوش باز به روی برادران و خواهران آذربایجانی است. تداوم سیاست همسایگی سرلوحه کار ماست، البته در چارچوب احترام متقابل و رعایت آداب همسایگی».

این تقابل دیپلماتیک در حد صدور بیانیه و توییت‌زدن باقی نماند. برخی منابع داخلی عنوان کرده‌اند که جمهوری آذربایجان هفته گذشته اقدام به بستن دفتر رایزنی فرهنگی ایران در باکو کرده است که این اقدام پس از اخراج نماینده آن سازمان در راستای بهانه‌جویی‌های دولت آذربایجان به دلیل اختلافات اخیر میان دو کشور قابل ارزیابی است. اما در عین حال این گزاره هم مطرح است که چون جمهوری اسلامی ایران املاک زیادی در باکو دارد و مالک آنهاست لذا اقدامات اخیر و بهانه‌جویی‌های یک‌طرفه و عجولانه طرف آذربایجانی برای تصاحب این املاک متعلق به دولت ایران است.

باید هوشیار بود

فارغ از این اتفاقات، طیفی از ناظران و تحلیلگران تاکید دارند نقش آفرینی مخرب اسرائیل در جمهوری آذربایجان و منطقه قره‌باغ به‌خصوص بعد از جنگ ۲۰۲۰ روزه سپتامبر سال ۲۰۲۰ به عنوان موتور تنش‌افزار در مناسبات تهران – باکو عمل می‌کند. به ویژه که در حال حاضر روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل به سطح سفیر ارتقا پیدا کرده است و در کنار آن شاهد سفر اسحاق هرتزوک، رئیس‌جمهور اسرائیل برای اولین بار به آذربایجان و پیش از آن حضور الی کوهن، وزیر امور خارجه اسرائیل در باکو بودیم. در کنار آن حجم مناسبات تجاری، اقتصادی، امنیتی، نظامی و دفاعی هم عملا یک زنگ خطر و هشدار را برای ایران به صدا درآورده است تا جایی که محسن پاک‌نیا، سفیر پیشین ایران در جمهوری آذربایجان، اخیرا طی توییتی پیشنهاد اخراج جمهوری آذربایجان از سازمان همکاری اسلامی را مطرح کرد. لذا در گفت‌وویی با خود محسن پاک‌آیین به بررسی عوامل، بسترها و تأثیرات روابط شککنده کنونی ایران و جمهوری آذربایجان ذیل تهدیدات و تحرکات اسرائیل و توییت اخیرش پرداخته‌ایم تا از زاویه دید سفیر پیشین ایران در جمهوری آذربایجان و تحلیلگر ارشد حوزه قفقاز؛ ارزیابی دقیق‌تری از موضوع داشته باشیم.

♦ **جناب پاک‌آیین اخیرا در توییتی پیشنهاد اخراج جمهوری آذربایجان از سازمان همکاری اسلامی را به دلیل سطح بالای روابط و همکاری‌های باکو با تل‌آویو را مطرح کردید.** فارغ از موضوع فلسطین، واقعا تا چه حد مناسبات رو به رشد جمهوری آذربایجان و اسرائیل می‌تواند برای ما تهدید باشد؟

قبل از اینکه وارد قسمت اصلی سؤال شما شوم، من معتقدم روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل اکنون به تهدیدی برای آرمان اول جهان اسلام یعنی آرمان فلسطین تبدیل شده است. به همین دلیل طی سؤالی در توییت خودم موضوع اخراج جمهوری آذربایجان از سازمان همکاری اسلامی را مطرح کردم؛ چون سازمان همکاری اسلامی مهم‌ترین نهادی است که به شکل جدی درگیر موضوعات مختلف جهان اسلام و به‌خصوص مهم‌ترین موضوع آن، یعنی آرمان فلسطین است. اصلا نفش شکل‌گیری سازمان همکاری اسلامی، تقویت بسترها در جهت مبارزت برای آرمان فلسطین بود. من سعی کردم با پیشنهاد اخراج آذربایجان از سازمان همکاری اسلامی در توییت خودم، این موضوع را مطرح کنم که این سازمان (همکاری اسلامی)، باکو و دولت علی‌اف را بازخواست کند که به چه دلیل سطح روابط خود را با دولت افراطی تانیاوو که جنایات بی‌سابقه‌ای را علیه مردم فلسطین انجام دادند، تقویت کرده است؟ در حالی که کشورهای عربی منطقه و کل جهان روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را در دوره تانیاوو تقبل‌ناپذیر کرد.

♦ **اما ارزیابی شما از مناسبات باکو- تل‌آویو چیست؟ آیا موضوع توازن بخشی سیاسی و دیپلماتیک منطقه‌ای در میان است؟**
خبر. این یک پوشش است؛ چون این تصور وجود دارد که جمهوری آذربایجان با تقویت مناسبات خود با رژیم صهیونیستی به نوعی درصدد توازن‌بخشی در قبال روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری یروستان است که به نظر من یک روایت کاملا نادرست است به این بهانه که باکو و صهیونیست‌ها افزایش روابط خود را توجیه کنند. واقعیت این است که طبق آمارهای رسمی، بیش از ۴۰ درصد و طبق روایت‌های غیررسمی، بیش از ۵۰ درصد سوخت مورد نیاز رژیم صهیونیستی توسط جمهوری آذربایجان تأمین می‌شود تا موتور صهیونیست‌ها برای تجاوز و کشتار مردم فلسطین کماکان روشن بماند. از طرف دیگر رژیم صهیونیستی با قراردادهای کلان نظامی و دفاعی خود سود سرشاری را از جمهوری آذربایجان عاید خود کرده است؛ درآمدهایی که به گلوله، موشک و بمب بر سر مردم فلسطین

تبدیل می‌شوند و مانند یک پشتوانه بزرگ مالی برای صهیونیست‌ها عمل می‌کند، آن هم در شرایط کنونی که با بازگشت تانیاوو به قدرت شاهد یک وضعیت به‌شدت متزلزل و شکننده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دیپلماتیک و حتی امنیتی در سراسر سرزمین‌های اشغالی هستیم تا جایی که اکنون شکاف دیپلماتیک گسترده و بی‌سابقه‌ای میان کشورهای اروپایی و آمریکا با رژیم صهیونیستی و کابینه افراطی تانیاوو شکل گرفته است. در این انزواي منطقه‌ای و جهانی، جمهوری آذربایجان مانند یک فضای تنفس برای صهیونیست‌ها عمل می‌کند. به همین دلیل است که من در آن توییت خودم، موضوع اخراج جمهوری آذربایجان را مطرح کردم. این موضوع جدای از تهدیدات روابط رو به رشد رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان برای منافع و امنیت ایران است.

♦ **به سوازات موضوع فلسطین، افزایش مناسبات اسرائیل و آذربایجان چه تهدیدی برای منافع و امنیت ایران دارد؟**

طبیعتا تلاش صهیونیست‌ها برای برقراری روابط با همسایگان ایران به‌خصوص کشورهای اسلامی یک تهدید برای آن کشور و جهان اسلام خواهد بود. بنابراین افزایش نفوذ صهیونیست‌ها در آذربایجان می‌تواند تهدیدی برای منطقه قفقاز و به‌خصوص ایران باشد؛ چون باید پذیرفت که اسرائیل هیچ‌گاه به دنبال برقراری صلح بین جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان و ارمنستان و در کل برقراری امنیت در قفقاز نیست؛ چراکه در این صورت قراردادهای تسلیحاتی کلان با باکو را از دست خواهد داد و از طرف دیگر توجیهی برای افزایش نفوذ خود در قفقاز نخواهد داشت. البته هرگونه تحرک نظامی، امنیتی و دیپلماتیک رژیم صهیونیستی در قفقاز، قره‌باغ و جمهوری آذربایجان تحت رصد نهادهای نظامی، امنیتی و دیپلماتیک ماست و کوچک‌ترین اقدام ضد امنیت منافع ما در آن منطقه با پاسخ قاطع روبه‌رو خواهد شد. ولی صهیونیست‌ها در شرایط نامطلوب و شکننده کنونی بعد از روی کار آمدن مجدد تانیاوو در تلاش هستند با یک شعار و موج‌سواری رسانه‌ای و تبلیغاتی روابط خود را با آذربایجان افزایش دهند تا به نوعی از فشار سیاسی و انزواي منطقه‌ای و بین‌المللی خارج شوند.

♦ **با توجه به مجموعه شرایط فعلی در روابط تهران – باکو، آیا شما کارنامه نهادهای اجرائی در حوزه سیاسی، نظامی، دفاعی، امنیتی و اطلاعاتی را در قبال قفقاز، قره‌باغ و جمهوری آذربایجان قابل دفاع می‌دانید؟**

بله. هم در دولت حسن روحانی و هم در دولت کنونی آقای رئیسی تلاش‌های خوبی برای کنترل و مدیریت باکو صورت گرفته است تا از برخوردانهایی نسنجیده جلوگیری شود. شاید در سطح رسانه‌ای تلاش‌های جدی مقامات و مسئولان کشور منتشر نشود، اما این گفت‌وگوها، رایزنی‌ها و پیگیری‌های مداوم وجود دارد و مرتب تذکرات و هشدارهای لازم داده می‌شود. البته خود آذربایجان هم می‌داند که تداوم و تشدید تنش‌ها به‌هیچ‌وجه به نفع باکو نیست. بدون تعارف ما باید هوشمندانه و بدون شتابزدگی احساسی با موضوع برخورد کنیم. ما باید واقعیت را درک کنیم و شرایط کنونی در آذربایجان را هم در نظر داشته باشیم. باید پذیرفت جمهوری آذربایجان هم مانند رژیم صهیونیستی کشوری منزوی است.

♦ **چرا چنین تصویری دارید؟**

چون به دلیل تجاوز آذربایجان به خاک ارمنستان، بسیاری از کشورهای منطقه و همچنین کشورهایی که سابق بر این جزء حامیان آذربایجان بودند با او مخالفت کرده‌اند. از طرف دیگر اقدام باکو برای بستن دالان لاجین و ایجاد محدودیت برای کنترل رفت و آمد در این منطقه هم باعث شد که بسیاری از کشورها به منتقدان سیاست علی‌اف تبدیل شوند. به همین دلیل جز ترکیه و اسرائیل، اکنون کشور دیگری حامی سیاست‌های علی‌اف نیست. از طرف دیگر جمهوری آذربایجان بعد از اتفاق سال گذشته سفارت خود را در ایران بست. هم‌زمان روابط روسیه و آذربایجان هم خوب توصیف نمی‌شود، به‌خصوص که دیدار علی‌اف و ژلنسکی باعث ناراضیاتی مسکو شد. در این شرایط دیگر دوست و متحد جدی برای آذربایجان باقی نمانده است. پس علی‌اف برای اینکه دوباره خود را مطرح کند موضوع عدم سفر اتباع این کشور به ایران را مطرح می‌کند. برای اینکه بفهمیم ادعای باکو تا چه حد می‌تواند درست باشد، کافی است مرزهای زمینی خود را باز کند تا ببینیم مردم آذربایجان در ایران سفر می‌کنند یا نه؟ به همین دلیل من معتقدم اگرچه اکنون روابط شکننده‌ای بین دو کشور وجود دارد و باکو اقدامات مخرب زیادی را در هفته و ماه‌های گذشته انجام داده است که من هم منکر آن نیستم، اما باید هوشمندی، صبر و در عین حال انعطاف را در دستور کار داشته باشیم. نباید با برخی اظهارنظرهای نسنجیده و شتاب‌زده باعث شویم که فضای تنفسی برای رژیم صهیونیست در قره‌باغ و جمهوری آذربایجان شکل بگیرد.

برنامه‌های بدی در راه است؟

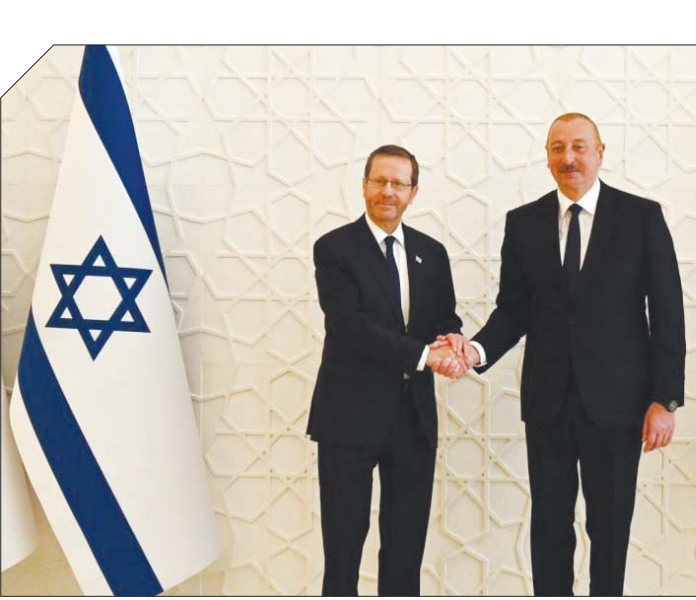
در مقابل آنچه محسن پاک‌آیین عنوان کرد، احسان موحدیان در مقام پژوهشگر و تحلیلگر ارشد حوزه قفقاز و مسائل آذربایجان، نظری کاملا متفاوت دارد؛ چراکه به باور او سیاست خارجی ایران، چه در دوره حسن روحانی و چه در دوره سیدابراهیم رئیسی، در قبال جمهوری آذربایجان هیچ برنامه منسجم، دقیق، علمی، کارشناسی، کاربردی و مبتنی بر واقعیت‌های جاری ندارد. در ادامه، گپ‌وگفت با او را از نظر می‌گذرانید.

♦ **جناب موحدیان شما جزء منتقدان جدی سیاست خارجی ایران در قبال منطقه قفقاز و تحرکات جمهوری آذربایجان هستید. از منظری آسیب‌شناسانه چرا می‌گویید تهران سیاست مشخصی در قبال رفتارهای مخرب باکو ندارد؟**

پاسخ این سؤال شما ناظر بر فقدان و خلا یک سیاست خارجی روشن و منسجم در مقابل جمهوری آذربایجان است. واقعا اکنون تهران نمی‌داند چه رفتار و سیاستی را در قبال باکو در پیش بگیرد. بدون شک ما نمی‌توانیم یک الگوی ثابت در سیاست خارجی را برای دیگر کشورها و مناطق در نظر بگیریم. نمی‌توان با الگوی خاورمیانه عربی به قفقاز و کشور آذربایجان نگاه کرد. این منطقه یک الگوی مختص به خود را می‌طلبد؛ چراکه اقتضانات خاص ژئوپلیتیک، میزان، نحوه و نوع استقلال کشورهای منطقه قفقاز، روابط بازیگران در این منطقه، ساختارهای سیاسی و امنیتی، بافتار فرهنگی، اجتماعی و تاریخی و نیز شرایط روحی و روانی تصمیم‌گیران در این منطقه کاملا متفاوت است؛ بنابراین باید بر اساس آن یک سیاست خارجی دقیق و کارشناسی شده را تعریف کرد.

♦ **در گفت‌وگو با کارشناسان، تداوم تنش در مناسبات آذربایجان-ایران و دلایل تنش‌زایی‌های همسایه را بررسی می‌کنند «شرق»**

باکو؛ میدان تل آویو



♦ **با این توصیفات شما مشکل کار کجاست؟**

مشکل به گمان من در قبال جمهوری آذربایجان این است که به دلیل فعالیت لابی‌های گسترده در داخل ساختارهای اجرائی این نفع باکو ما شاهد یک انفعال در عرصه تصمیم‌گیری هستیم. البته دلایل دیگری هم برای این موضوع وجود دارد، اما سه نظر من مهم‌ترین پارامتر نفوذ گسترده لابی‌هایی به نفع ترکیه و جمهوری آذربایجان در ساختار سیاسی کشور است.

♦ **یعنی شما تا به این حد نقش لابی باکو در ساختار تصمیم‌گیری ایران را قوی می‌دانید؟**

بله. اتفاقا به دلیل همین لابی‌گری‌هاست که ما نمی‌توانیم کوچک‌ترین واکنشی را در قبال باکو داشته باشیم. این در حالی است که ما دیدیم در قبال تحرکات اقلیم کردستان و حتی به‌تازگی طالبان، واکنش نظامی خود را داشتیم و دست به موازنه زدیم. در دوره‌ای که با عربستان سعودی و کشورهای عربی هم درگیری داشتیم، تهران هر لحظه کوچک‌ترین اقدام ضد ایرانی را پاسخ می‌داد، اما اکنون آذربایجان به‌راحتی سیاست‌های ضد ایرانی خود را اجرا می‌کند، بدون آنکه پاسخ قاطعی از تهران داشته باشد. چرا؟ چون لابی قدرتمندی به نفع باکو عمل می‌کند و به دلیل برخی ملاحظات قومی و عقیدتی ما قادر به واکنش نیستیم. پس می‌بینید که ریل‌گذاری ایران در قبال باکو غلط است. باید قبول کنیم که جمهوری آذربایجان از همان ابتدا تحت تأثیر ترکیه، اسرائیل و ناتو عمل کرده است. به همین دلیل رژیم علی‌اف سعی دارد یک تنش کنترل‌شده با ایران را برای اجرای منافع و اهداف آنکارا، تل‌آویو و ناتو در کنار مرزهای ایران داشته باشد. شاید جمهوری آذربایجان به دنبال جنگ و درگیری با ایران نباشد که نیست، اما سعی دارد یک تنش مداوم و فرسایشی را با ایران در پیش بگیرد.

♦ **چرا؟**

چون برای اسرائیل، ترکیه و ناتو و خود علی‌اف این واقعیت انکارناپذیر وجود دارد که اگر چنین تنشی در مناسبات تهران – باکو وجود نداشته باشد، به دلیل روابط تاریخی، فرهنگی، مذهبی، قومی و... قطعا جمهوری آذربایجان به‌طور طبیعی متحد جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز خواهد بود. ما دیدیم بعد از جنگ اول قره‌باغ، جمهوری آذربایجان متحد و هم‌پیمان ایران در منطقه قفقاز بود که به‌هیچ‌عنوان مطلوب ترکیه، اسرائیل و ناتو نیست. به همین دلیل بعد از جنگ دوم قره‌باغ، سعی شد با تحریر علی‌اف، باکو در مسیر تنش مدیریت‌شده با تهران قرار بگیرد تا با ایجاد یک تضاد ساختگی قومی و تاریخی یک کانون بحران علیه منافع و امنیت ایران در قفقاز جنوبی شکل بگیرد. دراین‌بین متأسفانه چون صورت‌مسئله را به‌درستی متوجه نشده‌ایم، نمی‌توانیم راه‌حل درستی را هم ارائه دهیم.

♦ **پیرو نکته شما، ظاهرا تل‌آویو از طریق علی‌اف و جمهوری آذربایجان می‌خواهد تهدیدی مداوم را در بالای سر ایران داشته باشد تا از ظرفیت سرزمینی و ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان و قره‌باغ همواره به‌عنوان یک مششیر داموکلس استفاده کند. شما این گزاره را نزدیک به واقعیت می‌دانید؟**

وقتی ایران در سال‌های اخیر سعی کرده است در اطراف مرزهای فلسطین اشغالی حوزه نفوذ ایجاد کند، طبیعی است که اسرائیل هم دست به واکنش متقابل بزند و سیاست مشابهی را در پیش بگیرد. به همین دلیل اسرائیل هم در سال‌های اخیر سعی کرده است حوزه نفوذ جدی را در همسایگان ایران برای خود تعریف کند؛ از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس گرفته تا آذربایجان، ترکمنستان و... در چنین شرایطی به دلیل نقش مهم لابی پررنگ به نفع باکو در ساختار سیاست‌های اجرائی ایران، متأسفانه مشاوره‌های درستی برای مقابله با این روند در آذربایجان و منطقه قفقاز داده نشد و ما از این موضوع غفلت کردیم. اکنون هم تاجپ و نمره‌های آن سرمیاه‌گذاری ۳۰ساله اسرائیل در قفقاز را می‌بینیم. اینکه روابط جمهوری آذربایجان با اسرائیل به سطح سفیر ارتقا پیدا کرده و شاهد سفر وزیر امور خارجه و رئیس‌جمهور اسرائیل به جمهوری آذربایجان و امضای قراردادهای مختلفی هستیم به تلاش‌های یک‌ماهه و یک‌ساله بازمی‌گردد؛ این نتیجه روندی است که از سه دهه قبل شروع شده است. ایجاد دهکده‌های هوشمند از طرف اسرائیل، افزایش قراردادهای نظامی و دفاعی، ایجاد فرودگاه‌های نظامی از سوی اسرائیل و... نتایج این سرمایه‌گذاری‌هاست. توجه به تغییر و تحولاتی که اردوغان در دولت جدید خود شکل داده است و فردی مانند هاکان فیدان را به‌عنوان وزیر امور خارجه انتخاب کرده، نشان می‌دهد که رویکرد آنکارا در قبال قفقاز و قره‌باغ یک رویکرد تهاجمی، نظامی و امنیتی خواهد بود. من معتقدم یک همدستی جدید بین ترکیه، اسرائیل و ناتو در آذربایجان و قره‌باغ ضد منافع و امنیت ملی ایران شکل خواهد گرفت؛ پس واقعا جمهوری اسلامی ایران یک بار برای همیشه باید با ترکیه و جمهوری آذربایجان اتمام حجت کند و سیاست متغفل و سرگردانش را که مبتنی بر مصلحت‌سنجی بیش از حد و تعارفات دیپلماتیک است، کنار بگذارد.

♦ **در راستای شنیده‌شدن زمزمه توافق احتمالی بین جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان بر سر تعیین مرزها و تعیین تکلیف قره‌باغ، احتمال تحمیل کردبور موهوم و جعلی زنگ‌زور و نهایتا بستن مرزهای مشترک ایران و ارمنستان به تهران و ایران وجود دارد؟**

بله، می‌توان این تصور را داشت؛ چون به نظر من پلتفرم جدیدی

اخبار برگزیده

سرلشکر سلامی در پیامی به رهبر انقلاب:

اصحاب شما برای یک نبرد بزرگ و یک جهاد عظیم آماده شدند

سرلشکر حسین سلامی در پیامی از الطاف رهبر انقلاب نسبت به بسیجیان و گروه‌های جهادی قدردانی کردند. در بخشی از متن پیام سرلشکر سلامی آمده است: «سخنان حکیمانه و سرشار از معرفت عمیق حضرت‌عالی نسبت به شخصیت پابان‌ناپذیر حضرت امام راحل عظیم‌الشان و ترسیم کرانه‌ها و دامنه‌های بی‌انتهای این عظمت الهی که برای اولین بار ناشناخته‌هایی از روح بلند امام(ره) را به جهان معرفی کرد، موجب تجلی جدید و ظهور نوینی از امام راحل و جریان‌دادن افکار بلند و آرمان‌های متعالی آن امام بزرگوار در کالبد جامعه بود. علاوه بر حیات‌دادن به دو عنصر ایمان و امید در جامعه که حضرت‌عالی در امتداد امام عزیز، خود تجسم زیبای این دو مفهوم حیات‌بخش هستید، در فرازهای برجسته آخر بیانات گهربارتان در مورد نقش محوری بسنج در میانه آخرین نبرد کامل در اغتشاشات سال گذشته، در قلوب بسیجیان قیامتی به پا کردید. تأثیر فرمایشات حضرت‌عالی در مورد بسنج افسار، بسنج دانشجویی، گروه‌های جهادی، امدادگران کمک‌های مؤمنانه، هسته‌های (پایگاه‌های) مقاومت و جهادگران تبیین در همان چند عبارت فشرده به اندازه تمامی تلاش‌های ما طی سال‌های گذشته و قطعا بیش از آن در شکستن انگیزه‌ها و طراوت‌بخشی به روحیه بسیجیان مؤثر خواهد بود». او در ادامه آورده است: «آقا جان؛ به بسنج جان تازه‌ای بخشیدید، یک تجدید حیات دل‌انگیز و واقعی. حضرت‌عالی شور و هیجان مهربان‌پذیر مردم مشتاق در آن محفل آسمانی را به هم‌گام توصیف و قدردانی از بسنج به رأی‌العین دیدید، قطعا بخشی از آن جمعیّت عظیم بسیجی‌ها بودند. اصحاب ازمنش شما، آنها سراسر شعله عشق شدند، حرارت یافتند، نیرو گرفتند، برای یک نبرد بزرگ و یک اعجاز جدید و یک جهاد عظیم آماده شدند. ما هم در پرتو هدایت‌هایان راه این نورانی را با همه و همدومان طی خواهیم کرد. از خداوند متعال مسئلت داریم که ولایت حضرت‌عالی را به ظهور و ولایت عظمای حضرت حجت (علیه‌السلام) متصل گرداند.»

اعلام رسمی «شرط» ایران برای «امضای توافق» برجامی

محمد مرندی، مشاور تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران، در گفت‌وگو با شبکه المیدان گفت: دولت‌های غربی مدام درباره فعالیت هسته‌ای ایران دروغ می‌گویند و امروز این موضوع ثابت شده است، سیاست واشگتن در غرب آسیا حفظ و بقای اختلاف و تفرقه به نفع اسرائیل است. جهان در حال تغییر و توسعه است و قدرت آمریکا در حال کاهش است که این امر موجب می‌شود تا تحریم‌های ایران کاهش یابد. تهران قبل از حل‌وفصل همه پرونده‌های مربوط به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، توافقی را امضا نخواهد کرد.

مهاجری:

تقابل «آرمان‌های تخیلی» و شعار خشمگنانه با «واقع گرایی» ظریف

محمد مهاجری، فعال سیاسی اصولگرا، در کانال تلگرامی خود نوشت: نهم تیر ۱۳۴۰ با مرحوم پدر رفته بودیم جلوی مجلس برای تشییع شهدای حادثه هفتم تیر؛ مردم، هم خشمگین هم پراحساس و هم حماسی شعار می‌دادند. اتفاق بزرگی رخ داده بود و ده‌ها نفر که برخی از آنها عناصر کیهانی بودند، به شهادت رسیده بودند. شعارهای مختلفی داده شد؛ اما یکی در میان همه برجسته‌تر می‌نمود: «دشمن در چه فکریه، ایران بهشتیه». مروج پدر بود، به شهادت رسیده بود، به این یکی روی خوش نشان نداد! بدجوری از رفتارش رنجیدم؛ اما توی شلوغی و فضای احساسی جای پرسش نبود. موقع برگشتن در اولین فرصت دلبیش را پرسیدم. آرام گفت: زیرا این‌طور نیست، ایران نه‌تنها بر از بهشتی نیست، حتی یک بهشتی دیگر وجود ندارد. مطهری هم تکرار نمی‌شود. اسم چند نفر دیگر را هم برد که آن موقع در قید حیات بودند و اغلب هنوز هم زنده‌اند. تاریخ بعدا ثابت کرد آن شعار احساسی و آرمان‌پرانه فاصله‌ای بسیار دور داشت از واقعیت. حرف‌های اخیر دکتر ظریف درباره آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی خاطره آن روزگار را زنده کرد. بعد از آن هم آرمان‌های تخیلی که هرگز به وقوع نیپوستند، بسیار تکرار شد. بار بار هم عده‌ای خشمگنانه و با صدای بلند شعار دادند و واقعیت را در بین آن هیاهوها ندیدند؛ اما مثل همین روزها که به ظریف ناسزا می‌گویند، بارها به افراد دیگری نهیب زدند و بد و بیراه گفتند. آرمان‌های توهمی در آسمان تخیلات کم شد و واقعیت‌ها روی زمین ماند.